

برهان

اسلام مقدس همواره به حریت و رشد افکار علمی جوامع بشری اصرار و تاکید می ورزد و آزادی اندیشه را اساس بنای مکتبی اش می داند، و بر خلاف حامیان جهل و تعصب، برهان و حجت را معیار اصیل انسانیت قرار می دهد. پیام الهی چنین می فرماید: (یا ایها الناس قد جاءکم برهان من ربکم و انزلنا الیکم نوراً مبیناً.) (ای مردمان بتحقیق آمد به شما حجتی از جانب پروردگارتان و فرود آورده ایم بسوی شما روشنی واضح.) (النساء-174) پس این حجت کامل (قرآن عظیم الشان) برای رهنمونی کافه انسانیت کافی و وافی بوده، مجال هیچگونه شک و تردید نمی ماند. در اثر پژوهش و بررسی دیانات (comparative studies) می توان دریافت که عموماً ادیان (محرّف و یا غیر سماوی) در ابتعاد و دوری از تحقیق و جستجوهای علمی یا فشاری می ورزند، به این معنی که دین را ما فوق قیاس دانسته هرگونه استدلال را با تازیهانه معبد و مذهب سرکوب می نمایند، این طرز بینش و اسلوب از هر انحطاط، فاجعه انگیزتر است، زیرا عالیتزین ودیعه الهی برای آدمیت همانا نعمت عقل و قیاس است که باعث تشخیص و تعیین مسیر حیات می گردد. اسلام انقیاد و تقلید جاهلانه را عار دانسته، استفاده از عقل را تاکید می ورزد: (ومن یدع مح الله الهأ آخر لا برهان له به فانما حسابه عند ربه إنه لا یفلح الکافرون.) (وهر که پرستش کند با الله معبودی دیگری را که هیچ حجتی نیست مر پرستنده را به ثبوت آن معبود، پس جز این نیست که حساب او نزد پروردگار اوست، هر آئینه رستگار نمی شوند کافران.) (المومن-117) درآیت مذکور و عید شرک با عدم برهان قید شده است که استعظام حجت و استخفاف شرک می باشد، زیرا (حجت) جوهر فرهنگی است که عزت و مجد را به اوج مطلقش عروج می بخشد، و هر انتخاب منافی آن بزرگترین عامل انحطاط به شمار رفته که درمغاک ذلت تاریخ خاکستر می گردد. قرآن علیه شرک و الهه باطل اقامه حجت عقلی نموده، می فرماید: (لو کان فیهما آلهة الا الله لفسدتا.) (اگر بودی در آسمان و زمین معبودانی سواي خدا (هر آئینه) هر دو تباہ شدی.) (الانبیاء-22) و همچنان در سوره المومنون: (و ما کان معه من إله إذا لذهب کل إله بما خلق و لعلّ بعضهم علی بعض سبحاء الله عما یصفون.) (و نیست با او (شریک در الوهیت) هیچ معبودی آنگاه (هر آئینه) می برد هر معبود چیزی که آفریده است و هر آئینه غلبه میکرد بعضی ایشان بر بعضی، پاک است الله از آنچه بیان میکنند.) (المومنون-91) تعلیم الهی برای همه انبیاء علیهم السلام این بود که علم و برهان لازم و ملزوم و سند و پشتوانه یکدیگرند، زیرا برهان محک و معیار خردمندی بوده، وصولش به

کشف حقایق سریعتر و قویتر است، و اینک ابراهیم علیه السلام را در مقام اتمام حجت با قومش چنین می یابیم: (و کیفه
 اخاف ما اشركتم و لاتخافون انکم اشركتم بالله ما لم ينزل به علیکم سلطانا.) (و چگونه ترسم از آنچه شریک
 مقرر می کنید و شما نمی ترسید از آنچه شریک خدا مقرر کردید چیزی را که فرو نفرستاده است بر شما دلیلی برای آن. (الانعام-81)
 آنچه را اسلام ناپسند دانسته، ضیاع وقت و خلق مذموم معرفی می کند، مجادله و مناقشه بی سند است، که در آن صورت
 هر دو طرف داخل در مناظره سعی می ورزند تا انتصار را بدون رجوع به حق کسب نمایند، در حالیکه مناظره باید مبنی
 بر معیارهای دانش و تحقیقات علمی بوده، و هدف طرفین وصول به حقیقت باشد. (إِنَّ الْخَبِيرَ يَجَاهِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ
 بغير سلطان انهم إِنْ فِي صِدْقِهِمْ إِلَّا كَبْرٌ مَا هُمْ بِالْخَبِيرِ.) (بتحقیق) آنانکه مجادله می کنند در آیت های الله بدون
 حجتی که آمده باشد بایشان، نیست در سینه های ایشان مگر کبری که گاهی نیستند رسندگان به آن.) (غافر-56) وجود فلاسفه
 مختلف در طول تاریخ گواه بر آزادی و حریت فکری در جوامع اسلامی است که همواره آراء و افکار موسسین طوایف
 علمی چون (غزالی و ابن رشد و ابن سینا و فارابی) و غیره با استدلال و منطق تسامح بدرقه و استقبال شده است. وطبیعی
 است که تقلید جاهلانه، از هرگونه تقدم و پیشرفت باز می دارد: (و إِنْ قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلِ اتَّبِعُوا
 الْفِينَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أُولُو كَأُ آبَائِهِمْ لَا يُحِقُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ.) (و هنگامیکه گفته شود بایشان که متابعت کنید
 آنچه را فرو فرستاده خدا، می گویند نه (بلکه) پیروی می کنیم آنچه را که یافته ایم بران پدران خویش را، آیا متابعت پدران
 خویش را می کنند حال آنکه پدران ایشان میدانند چیزی را و راه راست را ندانسته اند.) (البقره-170) در آیت شریف، مقلدین
 جاهل تاریخ مورد مذمت واقع شدند، زیرا اکتفاء به جهل و تعصب گذشتگان، بسوی جمود و رکود فراخوانده، استخدام
 عقل و وجدان را در راهیابی و وصول به دانش و هدایت عقیم نموده، مانع رشد و ترقی علمی می گردد.

(و لَا تَقْهَرْ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا.)

(از چیزی دنباله روی مکن که از آن نا آگاهی. بی گمان (انسان در برابر کارهایی که) چشم و گوش و دل همه (وسایر اعضا

دیگر انجام می دهند) مورد پرس و جوی از آن قرار می گیرد.) (الإسراء-36)

دکتر: نهضت‌ساز خطیبی